

بررسی ارتباط بین ابعاد دینداری و سرمایه روانشناختی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تبریز)

حسین میرزائی^۱
مجتبی میرزائی^{۲*}
لاله فتحی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶

چکیده

دینداری پدیده‌ای است که از همان ابتدای پیدایش انسان‌ها در روند تحول جوامع تأثیرگذار بوده است و به موضوعی اساسی و مهم در روند زندگی افراد تبدیل شده است؛ اما از آنجایی که دینداری در سلامت روان انسان تأثیرگذار است مقاله حاضر در نظر دارد، سرمایه روانشناختی دانشجویان و نقش دینداری آنان را در توسعه این مفهوم مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر، به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه با حجم نمونه ۴۰۵ نفر در بین دانشجویان دانشگاه تبریز در تمامی مقاطع تحصیلی در سال ۹۴-۹۳ انجام گرفته و از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

یافته‌ها نشان داد که بین دینداری و سرمایه روانشناختی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به بیان دیگر، نتایج بیانگر وجود ارتباط مثبت و معنی‌دار بین ابعاد متغیر دینداری (مناسکی، تجربی و پیامدی) و ابعاد سرمایه روانشناختی (عزت‌نفس، خودکارآمدی و کانون کنترل) بود. براساس نتایج تحقیق، میانگین نمره دانشجویان برای سرمایه روانشناختی (۰/۷۴/۳۱)، متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. در این تحقیق بعد خودکارآمدی (۰/۷۴/۹۴) بیشترین میانگین را در ابعاد سرمایه روانشناختی به خود اختصاص داده است. همچنین براساس نتایج تحقیق، سرمایه روانشناختی بیش از همه از بعد مناسکی ($\beta = 0/355$) متغیر دینداری متأثر است. در نهایت نتایج بیانگر آن بود که ۱۷ درصد از واریانس متغیر سرمایه روانشناختی، توسط متغیر دینداری قابل تبیین است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه روانشناختی، خودکارآمدی، دینداری، مناسک دینی.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد

۳- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه و بیان مسئله

فشارهای روانی ناشی از زندگی مدرن و تغییرات سریع اجتماعی که تحت تأثیر رشد سریع زندگی صنعتی شکل می‌گیرد، تأثیرات عمده‌ای بر سلامت روان انسان دارد (میرکوهی و خرمایی، ۱۳۹۰: ۱۱۶) که بی‌توجهی و عدم برنامه‌ریزی جهت کنترل آن می‌تواند عواقب غیرقابل جبرانی را به دنبال داشته باشد (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸). محققان علوم انسانی معتقدند که ریشه بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی همانند تنش، استیصال، اضطراب، افسردگی و یاس نوامیدی، احساس عجز، احساس تنهایی، کاهش تحمل اجتماعی و غیره در پایین بودن میزان سرمایه روانشناختی افراد، جوامع و ملت‌ها قرار دارد که با تقویت سرمایه روانشناختی می‌توان با این مشکلات مبارزه کرد (علیپور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷).

سرمایه روانشناختی به‌عنوان نیرویی در جهت ترقی فرد، بهبود عملکرد فردی، افزایش قدرت نفوذ، بهبود عملکرد سازمان، نهاد و سکونت‌گاه‌های انسانی، افزایش درآمد و ایجاد مزیت رقابتی شناخته می‌شود (حیدری ساریان، ۱۳۹۲: ۲۴۲). برخوردار بودن از سرمایه روانشناختی افراد را قادر می‌سازد تا علاوه بر مقابله بهتر در برابر موقعیت‌های استرس‌زا، کمتر دچار تنش شده، در برابر مشکلات از توان بالایی برخوردار باشند، به دیدگاه روشنی از خود برسند و کمتر تحت تأثیر وقایع روزانه قرار بگیرند. لذا این‌گونه افراد دارای سلامت روانشناختی بالاتری نیز هستند. در همین مورد، سلیگمن معتقد است که سرمایه روانشناختی، جنبه‌های مثبت زندگی آدمی را در برمی‌گیرد و برخلاف سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، بیشتر بالقوه بوده و اندازه‌گیری و توسعه آن نیز دشوار است؛ بنابراین سرمایه روانشناختی شامل درک شخص از خودش، داشتن هدف برای رسیدن به موفقیت و پایداری در برابر مشکلات تعریف می‌شود. این ویژگی تلاش فرد را برای تغییر موقعیت‌های فشارزا تداوم می‌دهد و او را برای ورود به صحنه عمل آماده نموده، مقاومت و سختی وی در تحقق اهداف را تضمین می‌کند (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

اما دین یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در سلامت روان انسان است. دین چهره جهان را در نظر فرد دیندار دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد. فرد دیندار خود را تحت حمایت و لطف همه‌جانبه خداوند، بزرگ‌ترین نیروی موجود می‌بیند و بدین ترتیب احساس اطمینان و آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می‌دهد (چراغی و مولوی، ۱۳۸۵: ۲). به باور روانشناسان، دعا، نماز و داشتن ایمان محکم،

تشویش، نگرانی، یأس و ترس را برطرف می‌سازد. قرآن کریم نیز می‌فرماید: «الا بذکر الله تطمئن القلوب» آگاه باشید که با ذکر و یاد خدا، دل‌های شما آرامش می‌یابد و احساس امنیت می‌کنید (شعاع کاظمی و مؤمنی جاوید، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

در همین زمینه آلپورت^۱ معتقد است که احساسات دینی نه ماهیتی صرفاً عقلانی دارند و نه کاملاً غیرعقلانی، بلکه بیشتر تلفیقی از احساس و تفکر منطقی است. در واقع دینداری، فلسفه‌ای از زندگی برای فرد ارائه می‌کند که نه تنها ماهیتی عقلانی دارد بلکه به لحاظ احساسی و هیجانی نیز ارضاءکننده است (جی واتسن، ۱۳۷۷: ۵۵). از طرفی ارزش‌های مذهبی و مشارکت در یک گروه مذهبی عزت‌نفس و خودکارآمدی را افزایش می‌دهد (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۴) و با فراهم ساختن یک دیدگاه اسنادی سازنده به افراد در یافتن معنا و هدف زندگی کمک می‌کند (دباغی، ۱۳۸۸: ۲). علاوه بر این، راجرز^۲، مازلو و بندورا^۳ بر رابطه دینداری و جنبه‌های گوناگون سلامت روانی تأکید می‌کنند. یونگ^۴ نیز معتقد است که افراد به دلیل انحراف از زندگی مذهبی دچار بیماری روانی می‌شوند (عباس‌زاده و میرزائی، ۱۳۹۴: ۹۴).

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت برای ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا و همچنین افرادی توانمند، توجه به بحث توسعه سرمایه روانشناختی ضروری است و جامعه‌ی سالم در گرو داشتن افرادی با بهداشت روانی بالاست. از این‌رو علاوه بر توجه به متغیر سرمایه روانشناختی محققان باید به متغیرهای مهم مرتبط با این مفهوم توجه نمایند و با بررسی آنها شرایط و زمینه‌ی تقویت سرمایه روانشناختی افراد جامعه را فراهم آورند؛ اما آنچه مسلم و روشن است اهمیت توسعه ویژگی‌هایی چون عزت‌نفس و خودکارآمدی در روحیه‌ی قشر جوان و به‌خصوص قشر تحصیل‌کرده‌ی یک جامعه است. از آنجایی که مشکلات فراوانی بر سر راه اشتغال قشر تحصیل‌کرده جامعه امروزی ما وجود دارد اهمیت تربیت نسلی خودکارآمد و متکی به خود و با عزت‌نفس بالا دوچندان می‌شود. لذا برای موفقیت در این امر باید به شناخت عوامل تأثیرگذار در این امر پرداخت. بر همین اساس تحقیق حاضر تلاش دارد تا به بررسی تأثیر متغیر دینداری بر توسعه سرمایه روانشناختی دانشجویان بپردازد و از این طریق حداقل کمکی در جهت شناخت بسترهای مناسب توسعه و تقویت سرمایه روانشناختی نماید.

1. Allport
2. Rogers
3. Maslow & Bandora
4. Jung

۲. مبانی نظری

اهمیت معنویت و رشد معنوی انسان در چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه روانشناسان را به خود جلب کرده است. پیشرفت علمی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده‌ی جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کنند و اهمیت بیشتری بیابند. مردم جهان امروزه بیش از پیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند و روانشناسان هم به طور روزافزون درمی‌یابند که در همه‌ی موارد برای درمان اختلالات روانی، استفاده از روش‌های متعارف کافی نیست (حبیب‌وند، ۱۳۸۷: ۸۱) از این رو در این رابطه به منظور شناخت بهتر تأثیرات دین و رشد معنوی بر ابعاد روانی انسان نظریات متفاوتی مطرح شده است. در این نظریات اعتقاد بر این است که در ایمان به خدا نیرویی خارق‌العاده وجود دارد که نوعی قدرت معنوی به انسان می‌بخشد و در تحمل سختی‌های زندگی روزمره او را کمک کرده و از نگرانی و اضطرابی که بسیاری از مردم در معرض ابتلای به آن هستند دور می‌سازد.

ویلیام جیمز، یکی از پیشگامان طرح این واقعیت در روانشناسی، معتقد است؛ ایمان بدون شک مؤثرترین راه درمان اضطراب است، ایمان نیرویی است که باید برای کمک به انسان در زندگی وجود داشته باشد. فقدان ایمان، زنگ خطری است که ناتوانی انسان را در برابر سختی‌های زندگی اعلام می‌دارد (نجاتی، ۱۳۸۴). جیمز در یک جمع‌بندی که از حیات دینی ارائه می‌دهد می‌گوید به طور کلی در گسترده‌ترین شیوه‌ی ممکن ویژگی‌های حیات دینی برحسب دریافت ما، در این باورها نهفته است:

۱- دنیای دیدنی، بخشی از عالم معنوی تر است که ارزش و معنای خود را از آن دریافت می‌کند.

۲- وصال یا ارتباط قرین با هماهنگی با آن عالم برتر، غایت حقیقی ماست.

۳- دعا یا اتصال با روح عالم خلقت خدا یا نظم کائنات فرایندی است که در آن واقعاً کاری (با ثمر) انجام می‌شود و قدرت‌های معنوی دارای آثار روان‌شناختی یا جسمانی در ما جریان می‌یابد.

۴- زندگی مزه و طعم جدیدی می‌یابد، همچون موهبت الهی به شکل زندگی سرشار از نشاط شاعرانه یا بهجت دلیرانه ظاهر می‌شود.

۵- امنیت خاطر و آرامش باطنی ایجاد می‌شود که نتیجه‌اش در ارتباط با دیگران، اظهار احسان و عواطف بی‌دریغ است (صابری، ۱۳۸۹: ۶۶).

بنابراین دین به مؤمنان و معتقدان خود می‌آموزد که چگونه با مجموعه‌ی عظیم جهان که پیش از فرد شکل گرفته و قوانین خود را بر او تحمیل می‌کند سازگاری یابد. این سازگاری، دلگرمی و خرسندی مطبوعی را در روان فرد ایجاد می‌کند (حبیب‌وند، ۱۳۸۷: ۸۲).

یونگ^۱ نیز مذهب را مشاهده بعضی عوامل نامرئی می‌داند که این تنها خاص انسان است و اعتقاد از نظر او تجربه و ادراک آن چیزی است که انسان را منقلب می‌کند. بنا به اعتقاد یونگ، مذهب بسیاری از نیازهای انسان را برآورده و خلاءهای وجودی او را پر می‌کند. همچنین، اطمینان، امید و قدرت را در شخص قوت بخشیده، خصوصیات اخلاقی و معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام می‌بخشد و برای انسان پایگاه بسیار محکمی را در مقابل مشکلات و مصائب و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند (توکلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲). به اعتقاد یونگ، بدبختی، یأس، احساس پوچی، بی‌هدفی و بی‌معنایی بشر به دلیل نداشتن ارتباط با بنیادهای ناهشیار شخصیت است. از دیدگاه او علت اصلی فقدان این ارتباط، اعتقاد بیش از پیش و انحصارگرایانه به علم و عقل به‌عنوان راهنماهای زندگی و کنار گذاشتن نگرش‌های دینی است. یونگ دین را از عوامل کاهش فشارهای روانی، کاهش اضطراب، افزایش اعتماد به نفس، نشاط و حرکت می‌داند (باقری‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۸).

در همین زمینه فرانکل^۲ به رابطه‌ی همبستگی میان معنای زندگی و سلامت روان اشاره دارد و اعتقاد دارد سلامت روان، یعنی از مرز توجه به خود گذشتن، از خود فرار رفتن و جذب معنا و منظوری شدن؛ آنگاه است که خود به‌طور خودانگیخته و طبیعی، فعلیت و تحقق می‌یابد (فرانکل، ۱۹۸۴: ۷۵). فرانکل دین را تکاپوی بشر برای یافتن معنایی غایی یا نهایی در زندگی تعریف می‌کند. به عقیده‌ی فرانکل رفتن به سمت دین، برخاسته از درون فرد است و او به‌سوی انتخاب دین حرکت می‌کند، نه این‌که چیزی او را به این حرکت واداشته باشد. به بیان دیگر، دین باوری نه تنها از سر جبر نیست که در این صورت دین‌پنداری واهی می‌گردد بلکه در نهایت آزادی و مسئولیت‌پذیری است و این در همه‌ی انسان‌ها صادق است؛ چرا که دین یک احساس مذهبی عمیق و ریشه‌دار در اعماق ضمیر ناهشیار همه انسان‌ها است. به عقیده فرانکل دینداری امری ثانوی نیست که طی فرآیند خاصی حاصل شده باشد؛ بلکه نهاد او در درون آدمی ریشه دارد و همزاد و همراه آدمی است (یاسمی‌نژاد، گلمحمدیان و سعیدی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۹). از این‌رو او دین را تحقق معنای غایی تلقی می‌کند و بر هدفمند

1. Yung
2. Franckle

بودن و معنا داشتن زندگی انسان تأکید دارد. او هدف دین را رساندن انسان به سلامت درونی و روانی تلقی می‌کند (افشانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶).

آلپورت نیز معتقد است احساس دینی وقتی مستقل باشد و متعصبانه و اجباری براساس انگیزه‌های ناهشیار و دفاعی نباشد، احساسی کامل از دین و پرشور و حرارت خواهد بود. او این چنین احساسی را باثبات و پایدار می‌داند و معتقد است که همواره هدایت‌گر خواهد بود. این احساس دینی سبب انسجام‌بخشی به شخصیت خواهد شد و به همه مفاهیم زندگی معنا می‌بخشد (همای، ۱۳۸۸: ۵۰). به عبارتی دیگر از نظر وی احساسات دینی نه ماهیتی صرفاً عقلانی دارند و نه کاملاً غیرعقلانی؛ بلکه بیشتر تلفیقی از احساس و تفکر منطقی هستند. در واقع دین‌داری، فلسفه‌ای از زندگی برای فرد ارائه می‌کند که نه تنها ماهیتی عقلانی دارد، بلکه به لحاظ احساسی و هیجانی نیز ارضاکننده است. بنابراین، آلپورت نتیجه می‌گیرد که تمام ادیان بزرگ دنیا نوعی جهان‌بینی برای پیروان خود به ارمغان می‌آورند که هم سادگی منطقی دارد و هم زیبایی هارمونیک. آلپورت توضیح می‌دهد که احساسات دینی بالغانه دارای پیچیدگی و غنای مفهومی هستند که علاوه بر ایجاد ثبات اخلاقی در افراد، فلسفه‌ی جامعی برای زندگی عرضه می‌کند و به سمت یک الگوی توحید یافته‌ی هماهنگ، سازمان‌بندی می‌شود و در نهایت باورهایی راهگشا را به فرد پیشکش می‌کند. منظور از باورهای راهگشا، فرضیات کارآمد در عرصه‌ی حیات است که امکان عمل در شرایط مبهم و تردیدآمیز را فراهم می‌سازد (یاسمی‌نژاد، گلمحمدیان و سعیدی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۳). آلپورت و راس^۱ دو بعد اساسی بیرونی و درونی را برای دینداری شناسایی می‌کنند (صالح^۲، ۲۰۱۲: ۲۶۷). آلپورت قابل‌قبول‌ترین روش متمایز کردن این دو قطب را این می‌داند که بگوییم، شخص با مذهب بیرونی، مذهبش را به کار می‌گیرد، در صورتی که شخص دارای مذهب درونی با مذهبش زندگی می‌کند. پس مذهب درونی فراگیر، دارای اصول سازمان یافته درونی شده است که خود غایت و هدف است و نه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف (علوی، ۱۳۸۵: ۱۴۶). این قطب از دینداری آلپورت، میزان تزریق مفهوم دینی را به زندگی روزمره توصیف می‌کند (فارمر^۳، ۲۰۰۸). در نهایت آلپورت به دنبال نشان دادن تأثیر دینداری بر شخصیت و روان انسان است که از طریق قطب‌بندی دین این امر را به بهترین شکل توضیح می‌دهد.

1. Alport & Ross

2. Salleh

3. Farmer

بنیامین راش نیز اظهار نظر جالبی در مورد رابطه‌ی مذهب و سلامت روح و روان انسان داشته است. وی معتقد است که مذهب همان مقداری برای پرورش و سلامت روح آدم اهمیت دارد که هوا برای تنفس (صدری و جعفری، ۱۳۸۹: ۱۳۰). وی از این طریق اهمیت دین و مذهب در ارتقای سلامت روحی و روانی انسان را نشان می‌دهد.

همچنین مازلو یافتن معنا در زندگی را نگرانی عمده و اولیه‌ی انسان می‌داند. به اعتقاد او فرد خودشکوفایا به دنبال بالا بردن هستی خویش است تا معرفتش را به خود و دیگران گسترش دهد و در هر کاری از شخصیت خود بهره بگیرد. به عقیده‌ی وی این فرآیند توسط مجموعه‌ی بزرگ‌تری از ارزش‌ها هدایت می‌شود که بر خوبی، زیبایی و زندگی تأکید می‌کند (بهرامی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

در اسلام نیز راه علاج و درمان اساسی اختلالات روانی، از جمله اضطراب و نگرانی، یاد خداوند است: «الا بذکر الله تطمئن القلوب»؛ و اعتقاد بر این است که انسان به وسیله‌ی ایجاد ارتباط روحی و معنوی با مبدأ وجود و سرچشمه‌ی همه‌ی پاکی‌ها و نیکی‌ها به آرامش خاطر دست پیدا می‌کند. یاد خدا انسان را با ریسمان و پیوند استواری به پروردگارش مربوط می‌سازد و او را به آرامش می‌رساند. چنین فردی با عبرت گرفتن از دیگران، تجربه‌اندوزی از گذشته و با امید به سمت آینده در حرکت است. این افراد هرگز احساس ناراحتی و تشویش در مورد حوادثی که هنوز رخ نداده‌اند به درون خود راه نمی‌دهند (قرآن کریم).

۱-۲. تعاریف متغیرها

۱-۱-۲. سرمایه روانشناختی

ریشه مفهوم سرمایه روانشناختی^۱ را باید در کارهای مارتین سلیگمن (۱۹۹۸) که او را به‌عنوان پدر روانشناسی مثبت‌گرا می‌شناسند جستجو کرد (هویدا و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵). سرمایه روانشناختی عبارت است از مجموعه‌ای از صفات و توانمندی‌های مثبت افراد و سازمان‌ها که می‌توانند مانند یک منبع قوی در رشد و ارتقاء فرد و سازمان نقش داشته باشد (علیپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). این سرمایه در واقع به مفهوم «چه کسی هستید (خود واقعی)» و «چه کسی می‌خواهید بشوید (خود ممکن)» بر یک مبنای توسعه‌ای و رشد یابنده بازمی‌گردد. سرمایه روانشناختی یک وضعیت توسعه‌ای مثبت روانشناختی با مشخصه‌های زیر است:

1. Psychological Capital

الف) تعهد و تلاش لازم برای موفقیت در کارها و وظایف چالش برانگیز (اعتماد به نفس/ خودکارآمدی).

ب) داشتن استناد مثبت درباره موفقیت‌های حال و آینده (خوش‌بینی).

ج) پایداری در راه هدف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیت (امیدواری).

د) پایداری هنگام مواجهه با سختی‌ها و مشکلات برای دستیابی به موفقیت (انعطاف‌پذیری) (فروهر و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸)؛ بنابراین امیدواری، خوش‌بینی، خودکارآمدی و استقامت مؤلفه‌های سرمایه روانشناختی هستند (علیپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷).

امیدواری وضعیتی شناختی یا تفکری است که افراد را قادر می‌سازد که اهداف واقعی اما چالش برانگیز و قابل پیش‌بینی را مدون سازد و سپس به آن اهداف از طریق اراده معطوف به خود، انرژی و ادراک کنترل درونی شده دست یابد (هویدا و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). بندورا خودکارآمدی را دریافت و داوری فرد درباره مهارت‌ها و توانمندی‌های خود برای انجام کارهایی که در موقعیت‌های ویژه به آنها نیاز است تعریف می‌کند. به نظر وی داشتن مهارت‌ها و دستاوردها پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای عملکرد آینده افراد نیستند، بلکه باور انسان درباره توانایی‌های خود در انجام آنها بر چگونگی عملکرد خویش مؤثر است (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱۳). خوش‌بینی نیز اسناد درونی بالنسبه ثابت و کلی در مورد حوادث مثبت است و تاب‌آوری یا استقامت را ظرفیت روانی مثبت برای برگشت، جهش از مصیبت و تغییر مثبت در جهت پیشرفت تعریف کرده‌اند که فرد را برای پذیرش مسؤلیت آماده می‌کند (علیپور و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷)؛ بنابراین سرمایه روانشناختی شامل درک شخص از خودش، داشتن هدف برای رسیدن به موفقیت و پایداری در برابر مشکلات تعریف می‌شود (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۶). در این تحقیق با توجه به اهداف موردنظر به بررسی سه بعد از سرمایه روانشناختی یعنی عزت‌نفس، خودکارآمدی و مرکز کنترل پرداخته شده است.

۲-۱-۲. دینداری

دینداری مفهومی است که تعریف آن دشوار می‌باشد و همه افرادی که با آن به‌عنوان موضوعی از تحقیقات علمی برخورد داشته‌اند از آن به‌عنوان مفهومی دشوار یاد نموده‌اند. به

همین خاطر، تعاریف و مدل‌های متفاوتی از آن وجود دارد (پرسچیوا و نیکولتا^۱، ۲۰۱۱: ۳۵۴).

دینداری اغلب به‌عنوان شدت اعتقادات مذهبی و مشارکت در آن تلقی می‌شود (ژانگ^۲، ۲۰۰۸: ۲۳۶). در واقع دینداری صفت و حالت انسان درباره دین است؛ و به عبارتی دینداری حاصل و نتیجه همان برداشتی است که از دین ارائه می‌شود (امام جمعه‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱). تحقیقات درباره دینداری نشان می‌دهد که دینداری یک تجربه یک‌بعدی در زندگی افراد نیست و مستلزم بیش از یک بعد است و ابعاد متفاوتی را شامل می‌شود (کیوکان^۳، ۲۰۰۰). هدن^۴ معتقد است که دینداری عامل اساسی اجتماعی شدن و انسجام فکری، عملی و جهت‌گیری در رفع مشکلات، پدیده‌ها و مسائل اجتماعی است (نازک تبار و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳۴). در تحقیق حاضر با توجه به اهداف موردنظر جهت سنجش متغیر دینداری از سه بعد مناسبی، تجربی و پیامدی استفاده شده است.

۳. پیشینه تحقیق

با توجه به این‌که سرمایه روانشناختی پدیده‌ای مؤثر در شکل‌دهی کنش‌های افراد است و نفوذ‌پذیری در هر فرد دارد، دانشمندان و اندیشمندان این عرصه، توجه خاصی به این موضوع داشته‌اند؛ که در این‌جا به مرور برخی تحقیقات در این زمینه اشاره می‌کنیم:

بخشی ارجنکی و همکارانش (۱۳۹۳) در تحقیق خود به بررسی رابطه بهزیستی روان‌شناختی با نگرش دینی، عزت‌نفس و سرسختی روانشناختی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که نگرش دینی دانشجویان مورد بررسی به‌عنوان متغیری اساسی تعیین‌کننده عزت‌نفس و سرسختی روانشناختی بوده و از آن طریق مبنایی برای بهبود بهزیستی روانشناختی است. به عبارتی نگرش دینی تأثیری مثبت و افزایش‌دهنده بر میزان عزت‌نفس و متغیر بهزیستی روانشناختی دانشجویان داشته است.

پژوهش دیگری توسط ابراهیم مداحی و همکارانش (۱۳۹۰) با هدف بررسی ارتباط جهت‌گیری مذهبی (درونی/بیرونی) با بهزیستی روانشناختی انجام شده است. براساس نتایج این تحقیق، جهت‌گیری مذهبی هم از نوع درونی و هم از نوع بیرونی آن قابلیت پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی را دارد. این نتایج را این‌طور می‌توان تبیین کرد که هرچه میزان

1. Paraschiva & Nicoleta
2. Zhang
3. Kucukcan
4. Heden

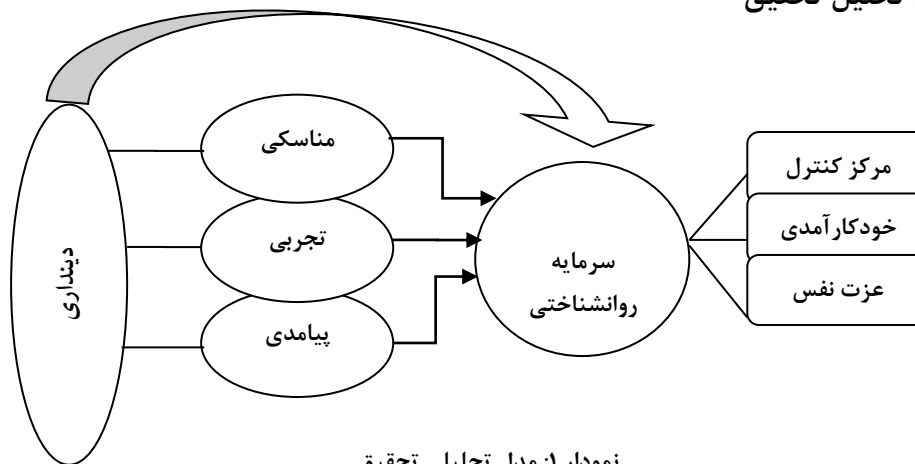
جهت‌گیری مذهبی جوانان درونی‌تر باشد، بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها بیشتر خواهد بود؛ و هرچه میزان جهت‌گیری مذهبی جوانان بیرونی‌تر باشد، بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها کمتر خواهد بود. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که جهت‌گیری مذهبی قابلیت پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی را نیز دارد.

نتایج مطالعه کوشکی و خلیلی (۱۳۸۹) نیز نشان داد که هر چه نگرش شناختی عاطفی فرد نسبت به مذهب بالاتر رود منبع کنترل درونی او نیز افزایش می‌یابد. همچنین تحقیق محمدی و مهرابی‌زاده (۱۳۸۵) نشان داد که بین منبع کنترل درونی و نگرش مذهبی دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد، یعنی افراد مذهبی منبع کنترل درونی بالاتری دارند. در مطالعه دیگری ابوتس^۱ و همکارانش (۲۰۰۴) به بررسی رابطه‌ی مذهبی بودن با سلامت روان در میان کودکان اسکاتلندی پرداختند. در این پژوهش رابطه‌ی حضور هفتگی در مراسم مذهبی کلیسا با سلامت روان کودکان مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌ها، کودکانی که در مراسم‌های مذهبی حضور بیشتری داشتند پرخاشگری کمتری در خانه و مدرسه داشتند، عزت‌نفس بالاتری داشتند و اضطراب و افسردگی کمتری در میان آن‌ها گزارش شده بود.

در پایان بخش نظری و تجربی می‌توان گفت آلپورت، فرانکل، بندورا، یونگ و دیگر صاحب‌نظران ذکر شده، دینداری و ابعاد آن را برای افزایش مطلوبیت میزان سرمایه روان‌شناختی افراد مؤثر دانسته و بر نقش نگرش‌های مذهبی و اعتقادات معنوی بر سلامت روانی و اجتماعی فرد تأکید نموده‌اند. در تحقیقات تجربی ذکر شده نیز همین نتایج حاصل شده است. بر همین اساس در این تحقیق تلاش شده تا این موضوع در بین جامعه دانشجویی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. از مجموع نظریات و پژوهش‌های مورد اشاره، مدل تحلیلی و فرضیه‌های زیر استخراج گردید.

1. Abbotts

مدل تحلیل تحقیق



نمودار ۱: مدل تحلیلی تحقیق

۴. فرضیه‌های پژوهش

۴-۱. فرضیه اصلی

- بین افزایش میزان دینداری و سرمایه روانشناختی افراد رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

۴-۲. فرضیه فرعی

- بین بعد مناسکی دینداری و سرمایه روانشناختی و ابعاد آن رابطه معنادار وجود دارد.
- بین بعد تجربی دینداری و سرمایه روانشناختی و ابعاد آن رابطه معنادار وجود دارد.
- بین بعد پیامدی دینداری و سرمایه روانشناختی و ابعاد آن رابطه معنادار وجود دارد.

۵. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است و با توجه به امکان استفاده از نتایج آن توسط مسئولین از نوع کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش، تمام دانشجویان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ در تمام مقاطع تحصیلی است که دارای ۱۷۷۵۰ نفر دانشجو در تمام مقاطع تحصیلی می‌باشد که از این بین براساس فرمول کوکران (در این پژوهش، برای تعیین دقیق اجزای فرمول کوکران برخلاف روش‌های رایج در بین محققان که حداکثر واریانس را ملاک قرار می‌دهند، از آزمون مقدماتی استفاده شد و واریانس فرمول کوکران به‌طور واقعی و دقیق تعیین گردید) و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ۴۰۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. بدین منظور از هر دانشکده براساس تعداد دانشجویان آن نمونه‌گیری شد که نتایج مربوطه در جدول ۱ ارائه شده است.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} = \frac{(17750)(3.84)(0.26)}{(17750)(0.0025) + (3.84)(0.26)} = 405$$

جدول ۱: توزیع فراوانی حجم نمونه برحسب دانشکده

دانشکده	کشاورزی	مکانیک	ادبیات	روانشناسی	تربیت بدنی	علوم طبیعی	حقوق و علوم اجتماعی
فراوانی	۷۰	۴۰	۲۱	۱۹	۱۹	۲۴	۷۸
درصد	۱۷/۳	۹/۹	۵/۲	۴/۷	۴/۷	۵/۹	۱۹/۳
دانشکده	برق	شیمی	فیزیک	ریاضی	عمران	اظهار نشده	جمع کل
فراوانی	۳۳	۱۶	۲۳	۱۸	۱۳	۳۱	۴۰۵
درصد	۸/۱	۴/۰	۵/۷	۴/۴	۳/۲	۷/۷	۱۰۰

۵-۱. بررسی اعتبار و روایی اندازه‌گیری تحقیق

اعتبار ابزار تحقیق حاضر از نوع صوری^۱ بوده و از طریق مراجعه به صاحب‌نظران (اساتید دانشگاه) مربوطه حاصل شده است. برای محاسبه روایی گویه‌های تحقیق نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. در این تحقیق برای سنجش میزان دینداری و ابعاد آن از ۱۳ گویه و برای سنجش سرمایه روانشناختی و ابعاد آن از ۲۴ گویه استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون آلفای کرونباخ

متغیرها	ابعاد	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	تعداد کل گویه‌ها
دینداری	بعد پیامدی	۴	۰/۹۱	۱۳
	بعد تجربی	۴		
	بعد مناسکی	۵		
سرمایه روانشناختی	عزت‌نفس	۹	۰/۸۹	۲۴
	مرکز کنترل	۹		
	خودکارآمدی	۶		

۵-۲. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته در این تحقیق سرمایه روانشناختی است. سرمایه روانشناختی عبارت است از مجموعه‌ای از صفات و توانمندی‌های مثبت افراد و سازمان‌ها که می‌توانند مانند یک منبع قوی در رشد و ارتقاء فرد و سازمان نقش داشته باشد (علیپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). جهت عملیاتی کردن این متغیر از سه شاخص عزت‌نفس، مرکز کنترل درونی و خودکارآمدی استفاده شد و با گویه‌هایی همچون: احساس رضایت از خود، احساس مفید بودن، باور بر گرفتن بیشترین امتیاز در یک مسابقه، مسؤولیت کارهای مربوط به خود را قبول کردن،

1. Face validity

کنترل خود را در دست داشتن، اعتقاد به مشخص بودن تقدیر انسان‌ها، تسلط بر رفتار و کردار خود و ... مورد سنجش قرار گرفت.

دینداری

دینداری از جنبه‌های مهم دین است که اغلب به‌عنوان شدت اعتقادات مذهبی و مشارکت در آن تلقی می‌شود (ژانگ، ۲۰۰۸). در واقع دینداری حالت انسان درباره‌ی دین است؛ و به عبارتی دینداری حاصل و نتیجه‌ی همان برداشتی است که از دین ارائه می‌شود (امام جمعه-زاده، ۱۳۸۹: ۱۱). دینی بودن، عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای گفته می‌شود که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی است. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد (عباس‌زاده و میرزائی، ۱۳۹۳: ۱۸)؛ بنابراین، فرد متدین را می‌توان از دو راه شناسایی نمود: یکی، از راه پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری، از پیامد دینداری و آثار تدین در فکر، جان و عمل فردی و اجتماعی او (ادیب بهروز، ۱۳۸۹: ۳۸). به‌طورکلی، دینداری، یعنی داشتن اهتمام دینی به‌گونه‌ای که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر کند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴).

در تحقیق حاضر متغیر دینداری در قالب‌های پیامدی، تجربی و مناسکی و با گویه‌هایی همچون: احساس گناه از عدم انجام فرایض دینی، احساس ترس از خدا، تمایل به مصرف مشروبات الکلی برای تفنن، نماز و قرآن خواندن، شرکت در نماز جماعت و اعیاد مذهبی، روزه گرفتن، اعتقاد به تأثیر دعا و ... مورد سنجش قرار گرفت.

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. یافته‌های توصیفی

براساس نتایج میانگین سنی نمونه تحقیق ۲۴/۲۴ سال و دامنه سنی دانشجویان ۱۸ تا ۳۵ سال بوده است. ۴۷/۶ درصد پاسخگویان مرد و ۵۲/۴ درصد زن و ۹۱/۶ درصد نیز مجرد بوده‌اند. ۷۷/۱ درصد شهری و ۲۱/۴ درصد روستایی و از نظر مقطع تحصیلی نیز کارشناسی‌ها با ۴۵/۶ درصد، کارشناسی ارشد با ۳۸/۸ درصد و دکتری با ۱۵/۶ درصد حجم نمونه را تشکیل داده‌اند. این تعداد براساس سهم هر یک از مقاطع تحصیلی در جامعه‌ی آماری انتخاب شده است. از نظر رشته‌ی تحصیلی، بیشترین نمونه از رشته‌های علوم انسانی با ۳۶/۱ درصد و کمترین نمونه از رشته‌های کشاورزی با ۱۷/۸ درصد بوده است. رشته‌های

علوم پایه و فنی و مهندسی نیز به ترتیب با ۲۱/۱ و ۲۴/۴ درصد نیز بقیه حجم نمونه مربوط به متغیر رشته تحصیلی را تشکیل داده‌اند.

در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری متغیر سرمایه روانشناختی دانشجویان، از ۲۴ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای با طیف شش قسمتی کاملاً موافق، موافق، تا حدی موافق، تا حدی مخالف، مخالف و کاملاً مخالف استفاده شد. نمره ۱۴۴ در این طیف، نشان‌دهنده بیشترین میزان سرمایه روانشناختی و نمره ۲۴ نشان‌دهنده کمترین میزان سرمایه روانشناختی دانشجویان است. میانگین این شاخص برای دانشجویان مطالعه شده برابر ۱۰۷/۰۱ بوده است؛ یعنی میزان سرمایه روانشناختی دانشجویان، متوسط رو به بالا بوده است. بررسی میزان سرمایه روانشناختی به تفکیک ابعاد آن، نشان‌دهنده آن است که میانگین مربوط به این ابعاد تقریباً برابر با هم هستند.

جدول ۳: یافته‌های توصیفی متغیر سرمایه روانشناختی و ابعاد آن

ابعاد سرمایه روانشناختی	تعداد گویه‌ها	میانگین خام	میانگین درصدی
عزت‌نفس	۹	۴۰/۲۱	۷۴/۴۶
خودکارآمدی	۶	۲۶/۹۸	۷۴/۹۴
مرکز کنترل	۹	۳۹/۸۲	۷۳/۷۴
سرمایه روانشناختی کل	۲۴	۱۰۷/۰۱	۷۴/۳۱

در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری میزان دینداری دانشجویان، از ۱۳ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای با طیف شش قسمتی کاملاً موافق، موافق، تا حدی موافق، تا حدی مخالف، مخالف و کاملاً مخالف استفاده شد. نمره ۷۸ در این طیف، نشان‌دهنده بیشترین میزان دینداری و نمره ۱۳ نشان‌دهنده کمترین میزان دینداری دانشجویان است. میانگین این شاخص برای دانشجویان مطالعه شده برابر ۵۸ بود. به عبارت دیگر یعنی میزان دینداری دانشجویان حد متوسط رو به بالا را نشان می‌دهد. بررسی میزان دینداری به تفکیک ابعاد آن نیز حاکی از این است که بیشترین میانگین مربوط به بعد تجربی است و کمترین میانگین نیز به بعد پیامدی تعلق دارد.

جدول ۴: یافته‌های توصیفی متغیر دینداری و ابعاد آن

ابعاد دینداری	تعداد گویه‌ها	میانگین خام	میانگین درصدی
مناسکی	۵	۲۲	۷۳/۳۳
تجربی	۴	۱۹	۷۹/۱۶
پیامدی	۴	۱۷	۷۰/۸۳
دینداری کل	۱۳	۵۸	۷۴/۳۵

۲-۶. یافته‌های استنباطی

نتایج تحلیل همبستگی متغیر میزان سرمایه روانشناختی دانشجویان و متغیر دینداری و ابعاد آن جهت رعایت اختصار در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط با متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

سرمایه روانشناختی		متغیرهای مستقل
Sig	R	
۰/۰۰۱	۰/۳۷۷	مناسکی
۰/۰۰۱	۰/۲۶۳	تجربی
۰/۰۰۱	۰/۲۷۲	پیامدی
۰/۰۰۱	۰/۳۵۷	دینداری کل

نتایج همبستگی بین متغیرهای تحقیق نشان داد که:

بین میزان دینداری و ابعاد آن با متغیر سرمایه روانشناختی دانشجویان همبستگی معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد. به عبارتی، هرگونه افزایش در میزان دینداری دانشجویان، به ارتقای سطح سرمایه روانشناختی آنان کمک می‌کند. همچنین هر یک از ابعاد متغیر دینداری، یعنی بعد مناسکی، تجربی و پیامدی با میزان سرمایه روانشناختی رابطه‌ی نزدیکی داشتند. در ابعاد دینداری، بعد مناسکی بیشترین همبستگی و بعد تجربی کمترین همبستگی را با سرمایه روانشناختی از خود نشان دادند.

علاوه بر آن تحلیل همبستگی مربوط به ابعاد متغیر سرمایه روانشناختی دانشجویان با متغیرهای مستقل تحقیق بیانگر آن بود که:

۱. بین بعد مناسکی دینداری و همه ابعاد متغیر سرمایه روانشناختی یعنی، خودکارآمدی، مرکز کنترل و عزت‌نفس همبستگی مثبت و مستقیمی وجود دارد؛ یعنی با افزایش میانگین بعد مناسکی متغیر دینداری میانگین هر یک از این ابعاد نیز افزایش می‌یابد.
۲. بعد پیامدی دینداری با همه ابعاد متغیر سرمایه روانشناختی یعنی، خودکارآمدی، مرکز کنترل و عزت‌نفس رابطه‌ی معنادار و مثبتی دارد و بهبود سطح متغیر پیامدی دینداری منجر به افزایش نمره دانشجویان در ابعاد مربوطه می‌شود.
۳. بین بعد تجربی دینداری و ابعاد خودکارآمدی و عزت‌نفس رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. در این مورد بین بعد تجربی دینداری و بعد مرکز کنترل سرمایه روانشناختی هیچ‌گونه همبستگی مشاهده نشد.

۴. در نهایت نیز نتایج، همبستگی بین متغیر دینداری به صورت کلی را با همه‌ی ابعاد متغیر سرمایه روانشناختی به صورت معنادار و مستقیمی نشان داده است.

جدول ۶: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در ارتباط با متغیرهای مستقل و ابعاد متغیر سرمایه روانشناختی

ابعاد سرمایه روانشناختی			متغیرهای مستقل
عزت نفس	مرکز کنترل	خودکارآمدی	
۰/۳۵۰**	۰/۲۷۴**	۰/۳۸۳**	مناسکی
۰/۱۱۶*	۰/۲۳۵**	۰/۲۷۵**	پیامدی
۰/۱۵۹**	۰/۰۶۹ ^{ns}	۰/۱۸۷**	تجربی
۰/۲۲۵**	۰/۱۶۱**	۰/۴۱۳**	دینداری کل

* معنادار در سطح ۰/۰۵

** معنادار در سطح ۰/۰۱

در پژوهش حاضر سعی بر آن بود تا میزان تأثیرگذاری متغیر دینداری و ابعاد آن بر متغیر سرمایه روانشناختی اندازه‌گیری شده و سهم این متغیر در تبیین تغییرات متغیر وابسته تحقیق مشخص شود. از این‌رو از تحلیل رگرسیون برای رسیدن به این مهم استفاده شده است؛ اما از آنجایی که احتمال وجود هم خطی بین متغیرهای مستقل تحقیق وجود دارد و نتایج آماره‌ی دوربین واتسون، VIF و ضریب تحمل واریانس نیز گول زنده‌اند بهترین راه برای جلوگیری از تأثیر هم خطی بر نتایج تحقیق حاضر بررسی تأثیر تک‌تک متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (سرمایه روانشناختی) از طریق انجام رگرسیون‌های مجزا برای هر متغیر مستقل در ارتباط با متغیر وابسته می‌باشد. لذا در تحقیق حاضر جهت جلوگیری از این امر سه متغیر مستقل تحقیق را یعنی بعد مناسکی دینداری، بعد پیامدی دینداری و بعد تجربی دینداری را به‌طور جداگانه در ارتباط با متغیر وابسته یعنی سرمایه روانشناختی قرار می‌دهیم.

جدول ۷: آماره‌های متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر متغیر وابسته تحقیق

Sig	T	BETA	STD.E	B	Adjusted R Square	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۸/۴۴۱	۰/۴۱۳	۰/۱۷۸	۱/۵۰۶	۰/۱۶۸	بعد مناسکی
۰/۰۰۰	۴/۳۵۹	۰/۲۲۵	۰/۱۳۸	۰/۶۰۳	۰/۰۴۸	بعد تجربی
۰/۰۰۳	۳/۰۳۷	۰/۱۶۱	۰/۱۷۸	۰/۵۳۹	۰/۰۲۳	بعد پیامدی

نتایج مرتبط با رگرسیون‌های مجزا، جهت سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان می‌دهد که هر سه متغیر مستقل تحقیق یعنی بعد مناسکی، بعد تجربی و بعد پیامدی دینداری دارای تأثیری معنادار بر متغیر سرمایه روانشناختی هستند. میزان این تأثیر با توجه به داده‌های به دست آمده متغیر است. از این رو با توجه به نتایج مندرج در جدول ۷ می‌توان نتیجه گرفت که بیشترین تأثیرگذاری بر متغیر وابسته تحقیق از طریق بعد مناسکی با ضریب بتای ۰/۴۱۳ درصد صورت پذیرفته است و بعد از آن نیز متغیرهای بعد تجربی (۰/۲۲۵) و بعد پیامدی (۰/۱۶۱) قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که همبستگی معنادار و مستقیمی بین سرمایه روانشناختی و دینداری و مؤلفه‌های آن وجود دارد؛ به عبارت دیگر، افزایش دینداری و مؤلفه‌های آن، یعنی بعد مناسکی، تجربی و پیامدی با افزایش میزان سرمایه روانشناختی دانشجویان همراه است. همچنین نتایج تحقیق حاضر، وجود همبستگی معنادار و مستقیم بین ابعاد دینداری و مؤلفه‌های مربوط به سرمایه روانشناختی یعنی، عزت‌نفس، مرکز کنترل و خودکارآمدی را نشان داد. در این مورد مؤلفه‌های دینداری یعنی، مناسکی، تجربی و پیامدی به صورت کلی بیشترین همبستگی را با بعد خودکارآمدی سرمایه روانشناختی از خود نشان دادند. به علاوه این که میزان همبستگی این ابعاد با دو بعد دیگر یعنی عزت‌نفس و کانون کنترل نیز در حد مطلوبی قرار داشت. تنها نکته‌ی قابل توجه در این مورد عدم وجود همبستگی معنادار بین بعد تجربی دینداری و بعد مرکز کنترل سرمایه روانشناختی بود؛ بنابراین، یافته‌های پژوهش در این مورد نشان می‌دهد که تمامی ابعاد سرمایه روانشناختی تحت تأثیر ابعاد دینداری قرار دارند و تنها بین دو بعد تجربی دینداری و مرکز کنترل سرمایه روانشناختی، این رابطه برقرار نیست. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، افرادی که نسبت به انجام اعمال دینی خود مصمم‌تر هستند، از سرمایه روانشناختی بیشتری و به تبع آن از عزت‌نفس و روحیه خودکارآمدی بالاتری نسبت به سایر افراد برخوردار می‌شوند. علاوه بر این چنین افرادی برای خود و تصمیمات خود ارزش بیشتری قائل هستند و دچار خودکم‌بینی نمی‌شوند. بدین صورت که انجام اعمال دینی همچون نماز خواندن، شرکت در آیین‌های مقدس و مشارکت در فعالیت‌های دینی، روابط اجتماعی و کنش میان افراد را افزایش داده و به مرور به ایجاد سرمایه روانشناختی در فرد کمک نموده و باعث تقویت آن می‌شود.

نتایج به دست آمده با چهارچوب نظری تحقیق (راجرز، مازلو و بندورا) و تحقیقات پیشین ذکر شده همچون پژوهشی‌های بخشی ارجنکی و همکارانش (۱۳۹۳)، ابراهیم مداحی و همکارانش (۱۳۹۰)، کوشکی و خلیلی (۱۳۸۹)، محمدی و مهرابی‌زاده (۱۳۸۵) و ابوتس^۱ و همکارانش (۲۰۰۴) همخوان و همسو است.

در نهایت، نتایج مربوط به رگرسیون متغیرهای مستقل نشان می‌دهد؛ متغیرهای مستقل تحقیق (بعد مناسکی، بعد پیامدی و بعد تجربی) تأثیر معناداری بر متغیر وابسته‌ی تحقیق (سرمایه روانشناختی) دارند. در این میان از بین متغیرهای مستقل تحقیق بعد مناسکی بیشترین تأثیر را بر روی متغیر سرمایه روانشناختی داشته است بعد از آن نیز بعد تجربی و بعد پیامدی به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته‌اند. در کل به لحاظ نتایج یاد شده، هر چند که سرمایه روانشناختی در بین دانشجویان قابل قبول است اما به منظور حفظ و استمرار و تقویت این ویژگی در افراد مورد مطالعه، می‌توان پیشنهادهای زیر را برای تقویت سرمایه‌ی روانشناختی ارائه نمود:

۱- اهتمام در افزایش و یا آموزش ارزش‌های اخلاقی و دینی و نهادینه‌سازی آنها از همان اوایل کودکی؛ با توجه به نتایج به دست آمده در تحقیق حاضر از آنجایی که ارزش‌های دینی عنصری مهم در تقویت عناصر سرمایه روانشناختی به حساب می‌آید و در تقویت عزت نفس و خودکارآمدی افراد مؤثر است باید در جامعه شرایط بهتری برای شناخت این ارزش‌ها فراهم آید. در این زمینه می‌توان از فضاهای گفتمانی دینی استفاده کرد که حتی کسانی که پایبندی دینی ضعیفی دارند را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲- تأکید بیشتر بر انجام اعمال و مراسم جمعی دینی مثل نماز، شرکت در آیین‌های مقدس و مراسمات مذهبی که بر سلامت روان افراد نیز تأثیرگذار است.

بنابراین از آنجا که کشور ما دارای فرهنگی اسلامی است باید سعی نمود علاوه بر حفظ آن، ارزش‌های اخلاقی را در جامعه گسترش داد چرا که قشر جوان و به خصوص قشر تحصیل کرده جوان نیازمند این ارزش‌ها برای برخورداری از سلامت روانی و اجتماعی هستند؛ بنابراین با گسترش ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ اسلامی و در نهایت برخورداری از افرادی دارای سلامت روانی و اجتماعی می‌توان برای رسیدن به جامعه‌ای ایده‌آل از لحاظ اسلامی، اخلاقی و روانی امیدوار بود.

1. Abbotts

منابع

- ابراهیم مداحی، محمد و صمدزاده، منا و کیخای فرزانه، محمد مجتبی (۱۳۹۰). «بررسی ارتباط میان جهت‌گیری مذهبی و بهزیستی روانشناختی در دانشجویان»، *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۱(۲): ۶۳-۵۳.
- افشانی، سید علیرضا و خرم‌پور، یاسین و ممینی، سجاد (۱۳۹۳). «بررسی رابطه دین و خودشکوفایی»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۳(۱): ۲۹-۵۲.
- امام جمعه‌زاده، سید جواد و محموداوغلی، رضا و عیسی‌نژاد، امید (۱۳۸۹). «بررسی رابطه دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۶(۱): ۳۴-۷.
- باقری‌پور، اشرف (۱۳۸۹). «یونگ و روانشناسی دین»، *پژوهش‌های فلسفی*، ۱۸: ۱۵۵-۱۷۹.
- بخشی ارجنکی، بتول و شریفی، طیبه و قاسمی پیربلوطی، محمد (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بهزیستی روان‌شناختی با نگرش دینی، عزت‌نفس و سرسختی روان‌شناختی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه دولتی شهرکرد»، *نشریه مدیریت ارتقای سلامت*، ۳(۳): ۶۹-۶۰.
- بهداری خسروشاهی، جعفر و هاشمی نصرت‌آباد، تورج و باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۹۱). «رابطه سرمایه روانشناختی با سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز»، *مجله تخصص پژوهش و سلامت*، ۲(۱): ۱۴۵-۱۵۳.
- بهداری خسروشاهی، جعفر و هاشمی نصرت‌آباد، تورج و بیرامی، منصور (۱۳۹۱). «رابطه سرمایه روانشناختی و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت شغلی در کتابداران کتابخانه‌های عمومی شهر تبریز»، *دوماهنامه پژوهنده*، ۱۷(۶): ۳۱۸-۳۱۲.
- بهرامی دشتکی، هاجر (۱۳۸۹). «معنا و معنویت از دیدگاه روانشناسان»، *فصلنامه علوم تربیتی راه تربیت*، ۱۰: ۱۴۳-۱۶۰.
- جی واتسن، پل (۱۳۷۷). «روانشناسی دین در جوامع مسلمین، ترجمه: پونه بناکار حقیقی»، *نشریه قبسات*، (شماره ۸ و ۹): ۷۱-۵۲.
- چراغی، مونا و مولوی، حسین (۱۳۸۵). «رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *مجله پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی دانشگاه اصفهان*، ۲(۳): ۲۲-۱.
- حبیب‌وند، علی مراد (۱۳۸۷). «رابطه جهت‌گیری مذهبی با اختلالات روانی و پیشرفت تحصیلی»، *روانشناسی دین*، ۱(۳): ۷۹-۱۰۷.
- دباغی، پرویز (۱۳۸۸). «بررسی نقش معنویت و مذهب در سلامت»، *مجله دانشکده پیراپزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۴(۱): ۴-۱.

- شعاع کاظمی، مهرانگیز و مؤمنی جاوید، مهرآور (۱۳۹۰). « بررسی مقایسه‌ای و رابطه‌ای رفتار جرأت‌مندانه، عزت نفس و جهت‌گیری مذهبی دانشجویان ورزشکار و غیر ورزشکار»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۹(۱۲): ۱۶۹-۱۹۰.
- صابری نجف‌آبادی، ملیحه (۱۳۸۹). «تأملی بر آراء ویلیام جیمز در پرتو نقد کتاب روانشناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز»، عیار، ۲۳: ۷۶-۵۹.
- صدری، جمشید و جعفری، علیرضا (۱۳۸۹). «بررسی رابطه باورهای مذهبی با سلامت روان»، فصلنامه علوم رفتاری، ۲(۲): ۱۲۳-۱۳۸.
- عباس‌زاده، محمد و میرزائی، مجتبی (۱۳۹۳). «نقش دین در توسعه شبکه‌های اعتماد اجتماعی دانشجویان»، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۴(۲): ۱۹۹-۲۲۴.
- عباس‌زاده، محمد و میرزائی، مجتبی (۱۳۹۴). «مطالعه نقش مداخله‌گرایانه سرمایه اجتماعی و سرمایه روانشناختی در تأثیرگذاری فرآیند جامعه‌پذیری بر دینداری»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دین و ارتباطات، ۲۲(۱): ۸۷-۱۲۲.
- عباس‌زاده، محمد و علیزاده اقدم، محمد باقر و موسوی، آرزو (۱۳۹۳). «مطالعه نقش مداخله‌گرایانه سازه عزت نفس در تأثیرگذاری دینداری بر هراس اجتماعی»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۳(۵): ۷۱-۹۹.
- علوی، سید حمیدرضا (۱۳۸۵). «بررسی رفتار دینی و عوامل مرتبط با آن در نوجوانان دبیرستان‌های کرمان»، نشریه تربیت اسلامی، ۲: ۱۶۴-۱۴۳.
- علیپور، احمد؛ آخوندی، نیلا؛ صرامی فروشانی، غلامرضا؛ صفاری‌نیا، مجید و آگاه هریس، مژگان (۱۳۹۲). «بررسی اثربخشی مدل مداخله سرمایه روانشناختی بر سلامت کارشناسان شاغل در شرکت ایران‌خودرو دیزل»، دو ماهنامه سلامت کار/ایران، ۱۰(۴): ۲۴-۱۶.
- فروهر، محمد و هویدا، رضا و جمشیدیان، عبدالرسول (۱۳۹۰). «تبیین سرمایه روانشناختی و کارآفرینی سازمانی اعضای هیئت علمی دانشگاه»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۲(۸): ۸۳-۱۰۰.
- کوشکی، شیرین و خلیلی فرد، مهدی (۱۳۸۹). «نگرش مذهبی و منبع کنترل»، مجله اندیشه و رفتار، ۴(۱۵): ۵۸-۶۵.
- محمدی، سید داوود و مهربابی‌زاده، مهناز (۱۳۸۵). «ارتباط نگرش مذهبی با مکان کنترل و نقش جنسیت»، فصلنامه پژوهش‌های روانشناختی، ۹(۱۸): ۸۵-۹۳.
- میرکوهی، مهدی و خرمایی، احسان (۱۳۹۰). «رابطه دینداری و سلامت روان در نوجوانان»، فصلنامه علوم رفتاری، ۱۳۱-۱۱۵.
- نازک تبار، حسین و زاهدی، محمد جواد و ناییبی، هوشنگ (۱۳۸۵). «نقش دینداری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۶(۲۲): ۲۳۳-۲۵۷.
- نجاتی، عثمان (۱۳۸۴). قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد: انتشارات آستان قدس.

- هدایتی، بنت‌الهدی و فاتحی‌زاده، مریم‌السادات و آکوچکیان، احمد (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر آموزش اسلام محور به والدین بر عزت‌نفس نوجوانان»، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱(۲): ۱۳۸-۱۱۷.
- همایی، رضوان (۱۳۸۸). «نقش پدر، مادر و فرد در ایجاد شخصیت دینی از نظر روان‌شناسی و قرآن»، فصلنامه زن و فرهنگ، ۱(۱): ۴۳-۵۵.
- هویدا، رضا و مختاری، حجت‌اله و فروهر، محمد (۱۳۹۱). «رابطه سرمایه روانشناختی و مؤلفه‌های تعهد سازمانی»، مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۲(۲): ۴۳-۵۶.
- یاسمی‌نژاد، پریسا و گلمحمدیان، محسن و سعیدی‌پور، بهمن (۱۳۸۹). «درآمدی بر رابطه‌ی دین و معنویت با روانشناسی با تکیه بر دیدگاه چند تن از روانشناسان مطرح»، قبسات، ۱۵: ۷۹-۱۱۱.
- Abbotts, J.; Williams, R.; Sweeting, H. and West, P. (2004). "Is going to church good or bad for you? Denomination, attendance and mental health of children in West Scotland", *Social Science & Medicine*, 58: 645-656.
- Farmer, M.; Trapnell, PD. and Meston, CM. (2008). "The relation between sexual behavior and religiosity subtypes: a test of the secularization hypothesis", *Archives of Sex Behavior*, Springer
- Frankl, V. (1984). *Mans search for meaning: An Introduction to Logotherapy*, New York: Simon and Schuster.
- Paraschiva, P. and Nicoleta, M. (2011). "Way of Approaching Religiosity in Psychological Research", *The Journal of International Social Research*, Issue. 18(4): 362-352.
- Salleh, M. S (2012). "Religiosity in Development: A Theoretical Construct of an Islamic-Based Development", *International Journal of Humanities and Social Science*, 2(14): 266-274.
- Zhang, L. (2008). "Religious Affiliation, Religiosity, and Male and Female Fertility", *Demographic Research*, 18(8): 233-262.